

---

# سخنرانی تحلیف هری ترومن

بر اساس ویرایش دایان راویچ

---



آموزشکده الکترونیکی  
برای جامعه مدنی ایران  
پروژه

e-collaborative  
*for civic education*

---

THE AMERICAN READER.  
Copyright © 1990, 2000 by Diane Ravitch. All rights reserved.  
Printed in the United States of America.

No part of this book may be used or reproduced in any manner  
whatsoever without written permission except in the case of brief  
quotations embodied in critical articles and reviews.

For information address HarperCollins Publishers Inc.,  
10 East 53rd Street, New York, NY 10022.

Persian translation of the THE AMERICAN READER published  
by arrangement with HarperCollins Publishers.

  
آموزشکده الکترونیکی  
برای جامعه مدنی ایران  
<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative  
*for civic education*  
<http://www.eciviced.org>

---

سخنرانی تحلیف هری ترومن

---

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

---

ترجمه از نسخه ویرایش شده دایان راویچ (Diane Ravitch)

---

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

---

© E-Collaborative for Civic Education 2014

## e-collaborative for civic education

یک سازمان (ECCE) E-Collaborative for Civic Education غیرانتفاعی (501c3) در ایالات متحده آمریکا است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکرارگری و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشگاه توانا؛ آموزشگاه مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشگاه توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشگاه توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشگاه توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معارصادقی

اکبر عطری

M. Memaradeh

Akbar Attari



## فهرست مطالب

۷

مقدمه دایان راویچ

۹

سخنرانی تحلیف هری ترومن



## مقدمه دایان راویچ

«خانواده بشری تنها با کمک کردن به آن دسته از اعضای خود که از کم‌ترین بخت برخوردار بوده‌اند و همت و موفقیت در یاری رساندن به خویش به این طریق است که خواهد توانست آن زندگی آراسته و رضایت‌بخشی را که حق همه مردم است، تأمین نماید.»

انتخاب هری ترومن<sup>۱</sup> در ۱۹۴۸ به عنوان سی‌وسومین رئیس‌جمهور آمریکا، یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ سیاسی این کشور محسوب می‌شود. ترومن در این کارزار هم بر حزب جمهوری‌خواهی که تحت رهبری توماس دیویی<sup>۲</sup>، فرماندار نیویورک، تجدید حیات شده بود، و هم بر تفرقه در صفوف حزب متبوع خویش، حزب دموکرات چیره شد. وی که مردم‌گرای منازعه‌جویی بود، در این انتخابات و با پیروزی بر سه رقیب انتخاباتی خود، دیویی از حزب جمهوری‌خواه، هنری والاس

---

1. Harry S. Truman (1884 – 1972)

2. Thomas Edmund Dewey (1902 – 1971)

از حزب پیشرو، و ستورم ثورموند از حزب Dixiecrat، تمام ناظران و نظرسنجان را غافلگیر کرد.

ترومن که در خانواده‌ای کشاورز در ایالت میسوری به دنیا آمده بود، دبیرستان را به اتمام رساند ولی استطاعت مالی آن را نداشت که برای ادامه تحصیل، راهی دانشگاه شود. وی سپس کارهای متفاوتی را پیشه کرد و در بسیاری از آنها ناموفق ماند، در جنگ جهانی اول به خدمت زیر پرچم رفت و با کسب نشان افتخار در آن شرکت کرد. وی پس از جنگ جهانی اول با یاری گرفتن از دستگاه سیاسی و حزبی دموکرات‌ها، وارد گود سیاست شد. ترومن در ۱۹۳۴ به نمایندگی مجلس سنای آمریکا انتخاب شد. در ۱۹۴۴ توسط فرانکلین روزولت به معاونت ریاست جمهوری برگزیده شد و با مرگ روزولت در ۱۲ آوریل ۱۹۴۵، به جای او به ریاست جمهوری رسید.

ترومن در سخنرانی مراسم معارفه خود، یک برنامه گسترده کمک‌های اقتصادی و فنی بین‌المللی برای کشورهای در حال رشد آمریکای لاتین، آسیا، خاورمیانه و آفریقا پیشنهاد کرد. با آغاز به کار برنامه معروف به اصل چهار، ایالات متحده آمریکا می‌رفت تا نقش نوینی را در عرصه جهانی بر عهده بگیرد. آنچه در پی می‌آید، گزیده‌ای از سخنرانی هری ترومن در مراسم تحلیف خود در سال ۱۹۴۸ میلادی است.



## سخنرانی تحلیف هری ترومن

هر یک از ادوار تاریخ ملی ما، چالش‌های ویژه خودش را داشته است. چالش‌هایی که ما امروز با آنها روبرو هستیم، به خطیری هر یک از آنهاپی هستند که در گذشته با آنها مواجه شده‌ایم. امروز نقطه آغاز نه تنها یک دستگاه اداری جدید است، که نشانگر دورانی نوین پر از رویدادی است که می‌رود، نه فقط برای ما، که برای جهان سرنوشت‌ساز باشد.

این شاید سرنوشت ما باشد که در این دوران جدید، نقطه عطف بزرگی را در تاریخ نژاد بشر رقم بزنیم. نیمه نخست این قرن با حملاتی بی‌سابقه و بی‌رحمانه علیه حقوق انسان‌ها و نیز با دو جنگ از دهشتناک‌ترین جنگ‌های تاریخ بشر ورق خورد. عالی‌ترین نیاز زمانه ما این است که انسان‌ها یادگیرند چگونه می‌توانند در صلح و توازن در کنار یکدیگر زندگی کنند.

مردمان کره خاکی با آینده‌ای نامعلوم، توأم با امیدها و مخاطراتی که به یک اندازه خطر هستند، روبرو هستند. مردمان این کره خاکی در روزگاری که با تردیدی بزرگ برای یافتن اراده‌ای نیک، توانایی و رهبری فرزانه مواجه هستند، بیش از هر

زمان دیگری چشم امیدشان به ایالات متحده آمریکا است.

بنابراین، مناسب خواهد بود فرصت به دست آمده را غنیمت شمرده و اصول ایمانی خویش را که با اتکاء به آنها زندگی می‌کنیم به جهانیان عرضه داشته و مقاصد خود را برای آنها توضیح داده و اعلان کنیم.

مردم آمریکا با اقتدار بر سر ایمانی که از ابتدا الهام‌بخش این ملت بوده، ایستاده است. ما باور داریم که آحاد بشر مستحق برخورداری از حقوقی برابر در مقابل قانون و فرصت‌های برابر برای دستیابی به مصلحت عمومی و خیر مشترک هستند. ما باور داریم که آحاد بشر مستحق برخورداری از حق آزادی اندیشه و بیان هستند. ما باور داریم که آحاد بشر، از آنجا که خداوند ایشان را شبیه خود ساخته است، برابر خلق شده‌اند. ما دست از این ایمان نخواهیم کشید.

مردم آمریکا خواهان جهانی هستند که همه ملت‌ها و همه مردمان در آن آزادانه بتوانند آن طور که می‌خواهند و مناسب می‌دانند بر خود حکومت کنند و یک زندگی آراسته و رضایت‌بخش برای خویش فراهم آورند و مصمم هستند که در این راه تلاش کنند. مردم آمریکا بیش از هر چیز خواهان یک صلح عادلانه و پایدار هستند، و مصمم هستند که در این راه تلاش کنند، صلحی که بر پایه توافقی میان ملت‌های برابر به دست آمده باشد.

در پیگیری این اهداف است که ایالات متحده آمریکا و ملل همفکر آن خود را مستقیماً در برابر نظامی می‌بینند که اهدافی کاملاً متفاوت دنبال کرده و برداشتی تماماً متضاد از زندگی دارد.

نظامی که از آن سخن می‌گویم خود را پایبند به فلسفه‌ای دروغین می‌داند، فلسفه‌ای که ادعا دارد آزادی، امنیت و فرصت‌های بیشتر و بزرگ‌تری را برای بشریت به ارمغان آورده یا خواهد آورد. و مردمان بسیاری هستند که با چنین فلسفه‌ای به بیراهه رفته و پس از آنکه آزادی‌های خود را قربانی آن کردند با تأسف خویشان را در برابر این واقعیت یافته‌اند که تنها پاداش چنین فلسفه‌ای برای آنها چیزی جز دروغ، تمسخر و ریشخند، و فقر و استبداد نبوده است. فلسفه دروغینی که از آن سخن می‌گویم، کمونیسم است.

کمونیسم بر این باور بنا نهاده شده که انسان چنان ضعیف و نالایق است که از حکومت بر خویش ناتوان بوده و برای این کار نیاز به اربابانی دارد که بر وی حکومت کنند.

مردم‌سالاری بر این باور بنا نهاده شده است که انسان از توانایی روحی و فکری

لازم و نیز از این حق سلب ناشدنی برخوردار است تا عادلانه و خردمندانه بر خویش حکومت کند.

کمونیسم فرد را در معرض بازداشت بدون ادله قانونی، مجازات بدون محاکمه، قرار داده و همچون اموال دولت از او بیگاری می‌کشد. کمونیسم به فرد امر می‌کند که به چه اخبار و اطلاعاتی می‌تواند دسترسی داشته باشد، چه آثار هنری‌ای را می‌تواند تولید کند، از کدام رهبران می‌بایست پیروی کند، و به چه چیزی می‌تواند بیانده‌اند. مردم‌سالاری مدعی است که حکومت برای منفعت فرد برقرار می‌گردد و مسئولیت پاسداری از حقوق فرد و از آزادی وی در اعمال توانایی‌هایش بر دوش حکومت نهاده شده است.

کمونیسم مدعی است که آسیب‌های اجتماعی تنها از طریق اعمال خشونت قابل تصحیح می‌باشند.

مردم‌سالاری ثابت کرده است که عدالت اجتماعی را می‌توان از طریق دگرگونی صلح‌آمیز به دست آورد.

کمونیسم مدعی است که جهان چنان عمیقاً به طبقات متخاصم تقسیم شده که جنگ، اجتناب‌ناپذیر شده است.

مردم‌سالاری مدعی است که ملل آزاد می‌توانند اختلاف‌های موجود را عادلانه حل و فصل کرده و به صلحی پایدار دست یابند.

تفاوت‌هایی را که به آنها اشاره کردم، تفاوت‌هایی که میان مردم‌سالاری از یک سو و کمونیسم از سوی دیگر وجود دارند، فقط مشکل ایالات متحده نیستند. مردم، در هر کجای دنیا که باشند، به این نتیجه رسیده و می‌رسند که مشکل بر سر رفاه مادی، کرامت انسانی، و حق ایمان به خدا و پرستش خدا است.

من تنها از دیدگاه نظری به این تفاوت‌ها اشاره نمی‌کنم، بلکه مقصود من از اشاره به آنها این است که اقداماتی که متأثر از فلسفه کمونیسم هستند، تهدیدی برای تلاش‌های ملل آزاد در جهت بازسازی دنیا و دستیابی به صلحی پایدار به شمار می‌روند.

از پایان مخاصمات جنگ جهانی دوم به این سو، ایالات متحده آمریکا جوهر و توان خویش را در چهارچوب یک تلاش بزرگ و سازنده و معطوف به اعاده صلح، ثبات و آزادی در جهان، سرمایه‌گذاری کرده است.

ما نه در پی گسترش مرزهای خود و فتح سرزمین‌های دیگر بوده‌ایم و نه در پی تحمیل اراده خویش به دیگران. ما خواهان هیچ امتیازی نبوده‌ایم که آن را برای دیگران نیز نخواسته باشیم.

ما همواره و با قاطعیت از سازمان ملل متحد و ادارات وابسته به آن به عنوان ابزاری برای اعمال اصول دموکراتیک به روابط بین‌المللی، حمایت کرده‌ایم. ما به طور پیوسته از حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافاتی که میان ملل وجود دارند، دفاع کرده و متکی به آن بوده‌ایم.

ما از هیچ تلاشی برای تضمین معاهدات بین‌المللی برای کنترل خطرناک‌ترین زرادخانه‌های خود کوتاه نیامده و پیوسته در جهت محدود کردن و کنترل جنگ‌افزارها اقدام کرده‌ایم.

ما از دیدگاه نظری، اخلاقی و تجربی، گسترش تجارت آزاد و مبتنی بر قواعدی سالم و عادلانه در جهان را تشویق کرده‌ایم.

تقریباً یک سال پیش بود که به اتفاق ۱۶ ملت آزاد اروپایی، بزرگ‌ترین برنامه همکاری اقتصادی در تاریخ را آغاز کردیم. مقصود از این تلاش بی‌سابقه این است که با تقویت و تحکیم مردم‌سالاری در اروپا، به مردم آزاد این قاره این امکان داده شود تا جایگاه خویش را در صف مقدم تمدن باز یافته و در امنیت و رفاه دنیا بار دیگر سهیم باشند.

تلاش‌های ما امید تازه‌ای را در بشریت زنده کرده است. ما ناامیدی، یأس و بدبینی را مجبور به عقب‌نشینی کرده‌ایم. ما بسیاری از کشورها را از اینکه آزادی خود را از دست بدهند، نجات داده‌ایم. صدها میلیون انسان امروزه در سرتاسر دنیا با ما هم‌عقیده شده‌اند که ما نیازی به جنگ نداریم و می‌توانیم در صلح باشیم...

در سال‌های پیش رو، برنامه صلح و آزادی ما بر چهار مسیر عملی تأکید خواهد کرد.

نخست، ما به حمایت بی‌دریغ خود از سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته به آن ادامه داده، و کماکان در پی یافتن راهکارهای تحکیم اتوریت و ارتقاء کارایی این نهاد خواهیم بود. ما بر این باوریم که با آن دسته از ملت‌های نوینی که هم‌اکنون در حال شکل‌گیری بر پایه حکومت بر خود و مبتنی بر اصول دموکراتیک هستند، سازمان ملل متحد استحکام بیشتری خواهد یافت.

دوم، ما به برنامه‌های خود برای احیاء اقتصاد جهانی ادامه خواهیم داد. و این بدین معناست که ما باید، پیش از هر چیز، تمام وزن و توان خود را پشت برنامه بازسازی اروپا بگذاریم. ما به موفقیت این کارستان سترگ در احیاء اقتصاد جهانی اطمینان داریم. ما بر این باوریم که شرکای ما در این تلاش موفق خواهند شد تا بار دیگر جایگاه خویش را به عنوان ملت‌هایی که متکی به خود هستند، به دست آورند.

اضافه بر این، ما باید طرح‌هایی را که برای کاستن از موانع تجارت جهانی و افزایش حجم آن در دست اجرا داریم، ادامه دهیم. نه تنها احیاء و بازسازی اقتصادی بلکه خود صلح نیز بستگی به افزایش تجارت جهانی دارد.

سوم، ما ملت‌هایی را که دوستدار آزادی هستند، در برابر خطر تجاوز، تقویت خواهیم کرد. ما هم‌اکنون سرگرم رسیدن به توافقی با برخی از کشورها هستیم که برای تقویت امنیت در حوزه آتلانتیک شمالی طراحی شده است. چنین توافقی در قالب یک دفاع مشترک و منطبق با مفاد مندرج در منشور سازمان ملل متحد، تنظیم خواهد شد...

چهارم، ما باید آغازگر برنامه‌ای جسورانه باشیم تا از طریق آن بتوانیم پیشرفت‌های علمی و صنعتی خود را در جهت بهبود رشد مناطق توسعه‌نیافته، در دسترس آنها قرار دهیم.

تقریباً نیمی از جمعیت دنیا در شرایطی نزدیک به فقر روزگار می‌گذرانند. تغذیه آنها نامناسب است. آنها قربانی بیماری‌های مختلف هستند. حیات اقتصادی آنها ابتدایی و راکد است. فقر آنها مانع و خطری است که نه تنها خود آنها را که آن دسته از مناطقی را که از رفاه بیشتری برخوردارند، تهدید می‌کند.

برای نخستین بار در تاریخ، بشریت از دانش و مهارت لازم برای تسلی بخشیدن به رنجی که این مردمان می‌برند، برخوردار است.

ایالات متحده آمریکا برای توسعه فنون صنعتی و علمی، در میان دیگر ملت‌ها در صدر قرار دارد. منابع مادی که ما می‌توانیم برای کمک به دیگران در اختیار ایشان قرار دهیم، محدود هستند. ولی امکانات فنی و علمی باورنکردنی ما، مدام در حال افزایش بوده و پایان‌ناپذیرند.

باور من بر این است که ما باید فواید ناشی از شناخت فنی خود را در اختیار ملل صلح‌دوست قرار دهیم تا بدین ترتیب به آنها کمک کرده باشیم تا به نوبه خود به خواست‌های خویش در جهت تحقق بخشیدن به یک زندگی بهتر، جامه عمل بپوشانند. و در قالب همکاری خود با دیگر ملل، باید سرمایه‌گذاری مالی در مناطقی که نیاز به توسعه دارند را تقویت کنیم.

هدف ما باید کمک به دیگر ملت‌های آزاد جهان باشد، تا با اتکاء به کار و کوشش خود، فرآورده‌های غذایی بیشتر، پوشاک بیشتر و مصالح مسکونی بیشتری تولید کرده، با افزودن بر توان مکانیکی خود، از باری که بر دوش آنها سنگینی می‌کند، کم کنند.

ما از دیگر کشورها دعوت می‌کنیم تا منابع فن‌آوری خود را در این کارستان به مشارکت بگذارند. از همکاری و مشارکت آنها به گرمی استقبال خواهد شد. این کارستانی است مشترک که همه ملت‌ها در آن، از طریق سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن، هر کجا که عملی باشد، با یکدیگر همکاری خواهند کرد. این باید کارستانی جهانی برای جامه عمل پوشاندن به صلح، فراوانی و آزادی باشد...

همه کشورها و از جمله کشور ما، از برنامه‌ای سازنده که هدف‌اش استفاده‌ای بهینه از منابع انسانی و طبیعی جهان باشد، به شدت سود خواهند برد. تجربه نشان داده است که تجارت ما با دیگر کشورها، با پیشرفت اقتصادی و صنعتی آنها توسعه خواهد یافت. افزایش تولید، کلید رفاه و صلح است. و کلید دستیابی به تولید بیشتر، همانا اعمال هر چه گسترده‌تر و قوی‌تر علم و فن‌آوری نوین است.

خانواده بشری تنها با کمک کردن به آن دسته از اعضای خود که از کم‌ترین بخت برخوردار بوده و و همت و موفقیت در یاری رساندن به خویش به این طریق است که خواهد توانست آن زندگی آراسته و رضایت‌بخشی را که حق همه مردم است، تأمین نماید.

تنها مردم‌سالاری است که می‌تواند آن نیروی حیات‌بخشی را که ملت‌های جهان را در کارستانی پیروزمند، نه تنها علیه سرکوبگران انسانی‌شان، که بر ضد دشمنان همیشگی‌شان که همانا گرسنگی، فقر و ناامیدی باشند، برانگیخته و بسیج خواهد کرد، عرضه دارد.

بر پایه تلاش در این مسیرهای چهارگانه است که امیدواریم شرایطی را به وجود آوریم که روزی به آزادی فردی و خوشبختی برای تمام بشریت منتهی شود.



